

مسئولیت خراج را به وی سپرد (کندی، ص ۱۰۴؛ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۴۴۷-۴۴۸؛ ابن تغری بردی، ج ۱، ص ۲۹۱). حضرمی مأمورانی برای دیوانهای گوناگون، از جمله دیوان شرطه و خراج و زمام، تعیین کرد (ابن تغری بردی، همانجا) و ارزاق مسلمانان را، که از دوازده پیمان به ده پیمان کاهش یافته بود، دوباره دوازده پیمان کرد (کندی، ص ۱۰۴-۱۰۵). همچنین دستور داد که تقسیم میراث اهل ذمه بنا بر تقسیم‌بندی میراث مسلمانان صورت گیرد (ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۴۴۹؛ ابن تغری بردی، ج ۱، ص ۲۹۴). عربها و قبطیان مصر نیز همه تحت فرمان حضرمی قرار گرفتند (ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۴۴۸؛ مقریزی، ج ۱، ص ۲۰۸). این دوره حکومت حضرمی بر مصر، هم‌زمان با حرکت پیروان بنی عباس از خراسان به کوفه و گرفتن بیعت برای بنی عباس بود (ابن تغری بردی، همانجا).

در سال ۱۲۵، هشام بن عبدالملک درگذشت و ولید بن یزید بن عبدالملک به خلافت رسید و حضرمی را در حکومت بر مصر باقی گذاشت. حضرمی هم عهده‌دار امارت و هم عهده‌دار خراج بود (کندی، ص ۱۰۵). به روایت کندی (همانجا)، ولید دستور داد شامیان لشکر مصر را اخراج کنند تا به نواحی خود بازگردند. شامیان سرپیچی نمودند و حضرمی را در خانه‌اش محاصره کردند، اما در نیمه رجب ۲۵ سرکوب شدند و رهبران کشته شد. در ماه شوال، عیسی بن ابی عطا وارد مصر شد و به فرمان خلیفه، خراج مصر را بر عهده گرفت و حضرمی فقط عهده‌دار امارت گردید (نیز ابن تغری بردی، ج ۱، ص ۲۹۱). پس از آن، حضرمی به شام نزد ولید بن یزید رفت و عقبه بن نعیم رُغَیْنی را به قائم مقامی خود برگزید (کندی، همانجا).

هنگامی که حضرمی به دمشق رسید، مردم ولید بن یزید را از خلافت عزل کردند و در اواخر جمادی‌الآخره ۱۲۶ او را کشتند (همانجا؛ ابن تغری بردی، ج ۱، ص ۲۹۲). پس از او، یزید بن ولید بن عبدالملک به خلافت رسید که به حضرمی دستور بازگشت به مصر را داد. حضرمی از مردم مصر برای یزید بیعت گرفت. سپس به کار سپاه رسیدگی نمود و عاملانی برای نواحی صعید و سفلی مصر تعیین کرد (کندی، ص ۱۰۵-۱۰۶)، اما خلافت یزید بن ولید نیز طولی نکشید و در ذیحجه ۱۲۶ کشته شد. پس از او، ابراهیم بن ولید دو ماه خلافت کرد، تا اینکه مروان بن محمد او را خلع کرد و خود در صفر ۱۲۷ به خلافت رسید. حکومت حضرمی در این نوبت حدود سه سال به درازا کشید. او چون وضع دولت اموی را آشفته دید، در نامه‌ای به مروان، از حکومت مصر استعفا کرد (همانجا؛ ابن تغری بردی، همانجا؛ انصاری، ص ۶۴)، اما جمعی از امرای مصر بر ضد حسان بن غثامیه (حاکم جدید) و بر ضد مروان قیام و حسان را از دارالاماره اخراج کردند و حضرمی را، به رغم

خواست وی، باز گردانند. حضرمی نیز با شماری از امرا و بزرگان مصر در خلع مروان همراه شد. مروان در سال ۱۲۸ حضرمی را عزل کرد و حوثرة بن سهیل را به جای او برگزید. حوثرة نیز حضرمی و شماری دیگر از اشراف مصر را که با مروان مخالفت کرده بودند، در دوم شوال ۱۲۸ کشت (کندی، ص ۱۰۷-۱۱۳؛ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۴۴۹-۴۵۰؛ ابن تغری بردی، ج ۱، ص ۲۹۳-۳۰۵). اما به روایت یعقوبی (ج ۲، ص ۲۳۵)، در دوران حکومت یزید بن ولید بن عبدالملک، هنگامی که سراسر قلمرو او دستخوش آشوب شد، مصریان نیز سر به شورش برداشتند و حضرمی را کشتند.

حضرمی را قاری و فاضل و موثق خوانده‌اند (ابن تغری بردی، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ سیوطی، ج ۱، ص ۲۷۳). حدیثی مستند از وی نقل شده است (ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۴۴۷؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۳۸۳). حضرمی از کسانی همچون ابن شهاب زهری و هلال بن عبدالرحمان قُرسی روایت کرده است. از او بیان وی نیز لیث بن سعد، یزید بن ابی حبیب و عمرو بن حارث بوده‌اند (ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۴۴۶؛ ابن تغری بردی، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ ۲۹۳).

منابع: ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهره [؟] [۱۳۸۳] / ۱۳۹۲ [؟] [۱۹۶۳]؛ ۱۹۷۲؛ ابن حجر عسقلانی، کتاب تهذیب التهذیب، چاپ صدقی جمیل عطار، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۵-۱۴۲۱ / ۱۹۹۵-۲۰۰۱؛ ناصر انصاری، موسوعة حکام مصر من الفراعنة الى اليوم، قاهره ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، حسن المحاضرة فی تاریخ مصر و القاهرة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، [قاهره] ۱۳۸۷؛ محمد بن یوسف کندی، ولایة مصر، چاپ حسین نقار، بیروت ۱۳۷۹/۱۹۵۹؛ احمد بن علی مقریزی، کتاب المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، المعروف بالخطط المقریزية، بولاق ۱۲۷۰، چاپ افست بغداد [۱۹۷۰]؛ یعقوبی، تاریخ.

/ فریده حشمتی /

## حضور و غیبت و حضور

حَضِیْغِی، محمد بن احمد - محمد بن احمد حَضِیْغِی

حَضِیْن بن مُنْذِر رَقَاشی، از یاران امام علی علیه‌السلام و از اشراف و بزرگان قبیله بکر بن وائل \* در منابع، نام او به صورت حَضِیْن نیز آمده، اما صورت صحیح آن حَضِیْن است (ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۳۹۶-۳۹۷؛ ابن منظور، ذیل «حَضِیْن»). او به نام یکی از مادرزنگهایش، رِقَاشه دختر ضبیعه،

قبیله بکرین وائل برگزید (مفید، ص ۳۲۰؛ نیز ← مزی، ج ۶، ص ۵۵۸). در جنگ صفین، پرچم علی علیه السلام در دست وی بود و او به سرپرستی قبیله بکرین وائل نیز گماشته شد (← مزی، ج ۶، ص ۵۵۷). این کار یکی از تدبیرهای ارزنده علی علیه السلام دانسته شده است (← جاحظ، ج ۳، ص ۱۰۸). دلیری و پایداری حَضِین در جنگ صفین و اهتزاز موزون پرچمی که در دست داشت، علی علیه السلام را به سرودن اشعاری برانگیخت که در منابع مضبوط است (برای نمونه ← نصرین مزاحم، ص ۲۸۹-۲۹۰؛ ابن ابی الحدید، ج ۵، ص ۲۲۶-۲۲۷). رنگ پرچمی که در دست حَضِین قرار داشته، سرخ یا سیاه بوده است (← مفید؛ ابن منظور، همانجاها). به هنگام دسیسه برافراشتن قرآنها بر نیزه‌ها و بروز اختلاف میان یاران علی علیه السلام در جنگ صفین، حَضِین از نخستین کسانی بود که با سخنانی کوتاه و شیوا از علی علیه السلام دفاع کرد و مردم را به فرمانبرداری بدون قید و شرط از ایشان فراخواند (نصرین مزاحم، ص ۴۸۵-۴۸۶؛ اسکافی، ص ۱۶۷). حضرت علی علیه السلام، در دوران حکومت خود، حَضِین را حاکم اصطخر کرد (ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۳۹۶؛ مزی، همانجا).

حَضِین را به شاعری و زبان‌آوری ستوده‌اند (← ابن ماکولا، ج ۲، ص ۴۸۱؛ مزی، همانجا). ابیات پراکنده‌ای از او در منابع آمده است (برای نمونه ← جاحظ، ج ۲، ص ۱۹؛ ابن قتیبه، ج ۱، جزء ۱، ص ۱۶۱؛ ابن ابی الحدید، ج ۵، ص ۲۴۴). امیران اموی در کارهای خود با حَضِین رایزنی می‌کردند و از او یاری می‌خواستند؛ حَضِین در برخی سروده‌های خود به این موضوع اشاره کرده است (← طبری، ج ۶، ص ۳۹۵-۳۹۶). برخی او را به بخل و خست نکوهش کرده‌اند (← ابن عساکر؛ مزی، همانجاها). امین (ج ۶، ص ۱۹۵-۱۹۶) این نسبت را از جمله یاهو سرائیه‌های شاعران زیاده‌طلب دانسته است.

منابع: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۵-۱۳۸۷/۱۹۶۵-۱۹۶۷، چاپ افست بیروت [بی‌تا]؛ ابن حجر عسقلانی، کتاب تهذیب التهذیب، چاپ صدقی جمیل عطار، بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۵؛ ابن حزم، جمهره انساب العرب، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قاهره [۱۹۸۲]؛ ابن سعد (بیروت)؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۵-۱۴۲۱/۱۹۹۵-۲۰۰۱؛ ابن قتیبه، عیون الاخبار، چاپ یوسف علی طویل و مفید محمد قمیحه، بیروت [؟ ۱۹۸۵]؛ ابن ماکولا، الاکمال فی رفع الارتیاب عن المؤلف و المختلف فی الاسماء والکنی و الانساب، چاپ عبدالرحمان بن یحیی معلی یمانی، بیروت [بی‌تا]؛ ابن منجونه، رجال صحیح مسلم، چاپ عبدالله لیلی، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ ابن منظور؛ محمد بن عبدالله اسکافی، المعیار و الموازنه فی فضائل الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (صلوات الله علیه)، چاپ محمد باقر محمودی، بیروت

منسوب است (ابن حزم، ص ۳۱۷). کنیه‌های وی را ابو محمد (ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۳۶۰)، ابو حَفْص (طبری، ج ۶، ص ۵۱۱) و در بیشتر منابع، ابوساسان ضبط کرده‌اند. ابن منجونه (متوفی ۴۲۸؛ ج ۱، ص ۱۳۹) گفته که ابوساسان لقب او و ابو محمد کنیه اوست. از تاریخ تولد وی اطلاعی نیست. امین (ج ۶، ص ۱۹۴) احتمال داده است که در سال سوم هجری به دنیا آمده باشد. درباره تاریخ مرگ او، اختلاف اندکی در منابع وجود دارد. به نوشته بخاری (ج ۱، ص ۲۸۲) او بعد از سال یکصد هجری، و به نوشته ابن منجویه (همانجا) در سال ۹۹ هجری درگذشت. در صحت دو روایتی که در آن حَضِین یکی از نخستین کسانی ذکر شده که پس از سقیفه به علی علیه السلام پیوسته (← کثی، ص ۱۱، ۷)، به دلیل سن کم حَضِین در آن هنگام، تردید شده است (امین، ج ۶، ص ۱۹۵؛ شوشتری، ج ۳، ص ۵۶۸). باتوجه به فتح سمرقند در سال ۹۳ به دست قَتیبَة بن مُثَلَم و حضور حَضِین بن منذر در مجلس قتیه در این سال (← ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۳۹۹-۴۰۰) و نیز تصریح حَضِین به نود سالگی خود در آن سال در یکی از سروده‌هایش (← امین، ج ۶، ص ۱۹۴)، حَضِین احتمالاً در جنگ صفین\* ۳۴ ساله بوده و بر این اساس گفته ابویقظان سُخَیم بن حفص (متوفی ۱۹۰)، که حَضِین را در نبرد صفین نوزده ساله ذکر کرده (← ابن منظور، همانجا)، نادرست است. نام سه تن از پسران او، به نامهای ساسان و عیاض / غیاظ و یحیی، و دو بیت از سروده‌های او خطاب به غیاظ، در منابع آمده است (برای نمونه ← ابن منظور، همانجا؛ امین، ج ۶، ص ۱۹۶). یحیی از دولتمردان امویان بود که به فرمان ابومسلم، همراه دیگر دولتمردان اموی کشته شد (← ابن حزم، همانجا؛ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۳۹۷). در منابع اهل سنت و شیعه از حَضِین به عنوان فردی ثقه یاد شده است (برای نمونه ← مزی، ج ۶، ص ۵۵۶؛ خویی، ج ۶، ص ۱۲۶).

حَضِین از علی علیه السلام، عثمان، مُجاشع بن مسعود و ابوموسی اشعری روایت کرده است و از او فرزندش یحیی، حسن بصری، و عبدالعزیز بن معمر روایت کرده‌اند (مزی، ج ۶، ص ۵۵۵-۵۵۶). ابن حجر عسقلانی (همانجا)، به نقل از ابن سعد، آورده که حَضِین کم حدیث بوده، اما این مطلب نادرست است و گفته ابن سعد (ج ۷، ص ۲۱۲) درباره ابوسعید قیس رقاشی، غلام حَضِین، است. ابوالحسن مدائنی گفته حَضِین را درباره مسموم شدن امام حسن علیه السلام با دسیسه معاویه، نقل کرده است (← ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۱۷). برقی (ص ۳) حَضِین را از یاران و برگزیدگان علی علیه السلام یاد کرده، البته کنیه ابوساسان در نقل برقی به ابوسنان تصحیف شده است. حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل حَضِین را به فرماندهی پیاده‌نظام

حسن طوسی، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵.  
/ پرویز آزادی /

## حَطَّه، باب ← باب (۲)

حَطَّین، روستایی در طبریه واقع در فلسطین و نیز مهم‌ترین جنگ صلیبی که در این ناحیه روی داد و به پیروزی مسلمانان بر صلیبیان انجامید.

(۱) روستای حَطَّین. ویرانه‌های این روستا در دشت نسبتاً همواری با ارتفاع حدود ۱۰۰ تا ۱۲۵ متر از سطح دریا، در نُه کیلومتری شمال‌غربی شهر طبریه قرار دارد (کی‌لانسکی، ص ۳۸۷؛ دَبَّاع، ج ۶، قسم ۲، ص ۳۹۰). دریاچه طبریه در مشرق حَطَّین واقع است و روستاهای یُسَرین، خَریه و غَریه سوداء، و عَیْلُون در اطراف حَطَّین‌اند (دَبَّاع، ج ۶، قسم ۲، ص ۳۹۲؛ ۴۲۳؛ نقشه فلسطین). دشتی که روستای امروزی حَطَّین در آن قرار دارد از مشرق به مغرب گسترده شده و کوه‌های مَزْقَه، ظَهْر السور و ظَهْر الشقیف در شمال و قرون حَطَّین (دارای ۳۲۶ متر ارتفاع) در جنوب آن واقع‌اند (موسی سمحه، ص ۶۶؛ الموسوعة الفلسطينية، ذیل «حَطَّین، قریه»؛ نیز د. اسلام، چاپ دوم، ذیل ماده). این آبادی از مشرق به دشت طبریه و از مغرب، از طریق گذرگاه‌های کوهستانی، به دشتهای جلیل سفلا مرتبط می‌شود (کی‌لانسکی، همانجا؛ شَرَّاب، ص ۲۹۵)؛ از این‌رو، از دیرباز گذرگاه کاروانهای تجاری یا محل وقوع برخی جنگها بوده است (الموسوعة الفلسطينية؛ کی‌لانسکی، همانجاها). حَطَّین به سبب بارش فراوان، آب و هوایی معتدل و منابع آبی غنی دارد (شَرَّاب، ص ۲۹۶). رود فُجاس که از نزدیکی ارتفاعات قرون حَطَّین روان می‌شود (موسی سمحه، ص ۶۴) و رود خَنْفُور که از کوه مَزْقَه سرچشمه می‌گیرد و در میان زمینهای کشاورزی حَطَّین جریان می‌یابد، از مهم‌ترین رودهای نزدیک حَطَّین‌اند (شَرَّاب، ص ۲۹۵-۲۹۶؛ الموسوعة الفلسطينية، همانجا).

درباره وجه تسمیه حَطَّین اطلاع دقیقی در دست نیست. به این محل، حَطَّیم نیز گفته شده است (شَرَّاب، ص ۲۹۵). در عهد عتیق (صحیفه یوشع بن نون، ۳۵: ۱۹) نام آن به صورت صِدِّیم آمده و در دوره رومیان به کفارِ جَتایا معروف بوده است (کی‌لانسکی، همانجا؛ دَبَّاع، ج ۶، قسم ۲، ص ۳۹۰؛ شَرَّاب، همانجا؛ نیز لوبانی، ص ۷۶). به نظر می‌رسد حَطَّین در محل قدیمی شهر صِدِّیم بنا شده (هاکس<sup>۱</sup>، ذیل «صدیم»؛ لوبانی،

۱۹۸۱/۱۴۰۲؛ امین؛ محمد بن اسماعیل بخاری، التاریخ الصغیر، چاپ محمود ابراهیم زاید، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ احمد بن محمد برقی، کتاب الرجال، در ابن داود حطی، کتاب الرجال، تهران ۱۳۸۳ ش؛ عمرو بن بحر جاحظ، البیان والتبیین، چاپ عبدالسلام محمد هارون، بیروت [۱۳۶۷/۱۹۴۸]؛ خویی؛ شوشتری؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ محمد بن عمر کثی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۲۸ ش؛ یوسف بن عبدالرحمان بزی، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ محمد بن محمد مفید، الجممل و النصرة لسیّد العترة فی حرب البصرة، چاپ علی میرشرفی، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۴؛ نصر بن مزاحم، وقعة صفین، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قاهره ۱۳۸۲، چاپ افست قم ۱۴۰۴.

/ محمود مهدوی دامغانی /

حَضِیْنی، ابوالطیب عبدالغفار بن عبیدالله بن سری واسطی، از علمای علم قرائت در قرن چهارم. از تاریخ تولد او اطلاعی نیست، ولی بر اساس تاریخ درگذشت برخی از شیوخ وی، احتمالاً پیش از ۳۱۰ به دنیا آمده است (سَمْعانی، ج ۲، ص ۲۳۳). وی قرائت را نزد قاریان مشهور زمان خود، چون ابوبکر بن مجاهد، محمد بن جعفر بن خلیل، احمد بن سعید ضریر، محمد بن مُعَلّی شُونِزِی و محمد بن یونس نحوی، فراگرفت (سَمْعانی، ج ۱، ص ۴۲۱). از جمله کسانی که قرائت را از او فراگرفتند، ابوعبدالله کارزینی، ابوالفضل محمد بن جعفر خزاعی و علی بن محمد خبازی بودند (سَمْعانی، ج ۱، ص ۳۹۸). حَضِیْنی از محمد بن جریر طبری، احمد بن محمد بن علان مُعَلّی و هارون بن موسی تلعلکبری و کسانی دیگر، روایت نقل کرده است (طوسی، ص ۴۳۳؛ ذهبی، همانجا؛ همو، ۱۴۰۱-۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۶۹). ذهبی (۱۴۱۸، همانجا)، و به نقل از او ابن جزری (ج ۱، ص ۳۹۷)، حَضِیْنی را شیخ قاریان واسط خوانده‌اند که دلالت بر اقامت او در این شهر دارد. از آثار وی به کتابی در قرائت سبع اشاره کرده‌اند (سَمْعانی، ج ۱، ص ۳۹۸)؛ همانجا؛ صفدی، ج ۱۹، ص ۲۲). خمیس بن علی حوزی<sup>۵</sup> او را تقه خوانده (ذهبی، ۱۴۱۸، همانجا؛ ابن جزری، ج ۱، ص ۳۹۸) و سَمْعانی (همانجا) از تبحر و شهرت وی در نحو و شعر و لغت سخن گفته است. حَضِیْنی در ۳۶۷ درگذشت (ذهبی، ۱۴۱۸، همانجا).

منابع: ابن جزری، غایة النهایة فی طبقات القراء، چاپ برگشترس، قاهره [بی‌تا]؛ محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، چاپ شعیب أرنؤوط و دیگران، بیروت ۱۴۰۱-۱۴۰۹/۱۹۸۸-۱۹۸۱؛ همو، طبقات القراء، چاپ احمد خان، ریاض ۱۹۹۷/۱۴۱۸؛ سَمْعانی؛ صفدی؛ محمد بن